

رهبر معظم انقلاب:

نه خواب آشفته یهودی سازی فلسطین اتفاق می افتد نه معامله قرن

۷ نکته درمورد تقابل تشدیدشده ایران و آمریکا

چرا تهدید ترامپ پاسخ تند می خواهد؟



حضرت آیت‌ا... خامنه‌ای روز یکشنبه (۱۳۹۷/۴/۳۱) طی دیداری، به نقشه شوم آمریکا و رژیم صهیونیستی تحت عنوان «معامله قرن» برای فلسطین و قدس شریف اشاره کردند و فرمودند: «یهودی سازی فلسطین خواب آشفته‌ای است که دیده‌اند. نه آن اتفاق می‌افتد، نه معامله قرن.»

پارلمان رژیم صهیونیستی چند روز پیش، قانونی را تصویب کرد که براساس آن، حق تعیین سرنوشت از مسلمانان و مسیحیان فلسطینی ساکن سرزمین‌های اشغالی سلب و این حق را تنها در اختیار یهودیان قرار خواهد داد. این قانون در حالی تصویب شد که به‌رغم محکومیت‌های بین‌المللی، رژیم متجاوز اسرائیل برای توسعه شهرک‌سازی‌های خود، روزانه مناطقی از خاک فلسطین را به‌منظور یهودی‌سازی فلسطین و قدس شریف مصادره می‌کند.

همزمان با این طرح، آمریکا طرح غیررسمی خود را برای آغاز فرآیند «عادی‌سازی روابط اشغال‌گران و فلسطینیان» تحت عنوان «معامله قرن» پیش می‌برد که هدف از آن تحکیم طرح یهودی‌سازی سرزمین‌های فلسطین است.

سعودی یا امارات و بحرین را به دنبال خواهد داشت و لذا حداقل مزیت این شرایط کسب درآمد بیشتر آمریکا از این کشور، نفت خیز است و در شرایط پیروزی می‌تواند در سوریه و عراق نیز جایگاه فروریخته خود را ترمیم کند.

در این موضوع اما این را هم باید ارزیابی کرد که به جز عربستان، امارات و بحرین چه کشورهای دیگری حاضرند تا آخر خط همراه آمریکا باقی بمانند؟ باتوجه به شرایط منطقه و تجارب گذشته می‌توان پاسخ نزدیک به واقعیتی به این سوال داد؛ اینکه کشورهایی چون کویت، عمان و قطر از این ادبیات استقبال ویژه‌ای نخواهند کرد، چرا که بحرانی شدن شرایط را تایید جایی می‌توانند تحمل کنند و بعد از آن چون منافع خود را به صورت جدی در خطر می‌بینند، احتمالا ترجیح می‌دهند با ترامپ هم مخالفت کنند.

مواضع طرف ایرانی جانب دیگر این ماجراست. حسن روحانی چند وقتی است که برخلاف آن رویه‌ای که از روزهای ابتدایی دهه ۸۰ از خود نشان داده، تندی‌های آمریکایی‌ها را صریحا پاسخ می‌دهد و حتی تلاش می‌کند قوت نظامی محور مقاومت را هم مورد استفاده رسانه‌ای قرار دهد. این اظهارات اگرچه در نوع خود قابل توجه و مهم ارزیابی می‌شود، اما به‌نظر می‌رسد در نگاه تحلیلگران غربی به دلیل مواضع قبلی رئیس‌جمهور ایران آن گونه که باید و شاید جدی گرفته نشود، که البته در این موضوع، نامه سرلشکر سلیمانی و حمایت قاطع او برای پوشاندن این نقص احتمالی قابل ارزیابی است.

مساله آخر در مورد طولانی شدن این فضا است. شرایط خاص اقتصادی این روزهای کشور که البته از دیدگاه بیشتر کارشناسان علت آن تنها محصور در تحریم و تهدیدهای آمریکان نیست که به ضعف مدیریتی دولتمردان برمی‌گردد، شرایطی را فراهم آورده که نارضایتی‌های اجتماعی بیشتر شده است، از قضا این نارضایتی بستر مناسبی برای فعالیت دشمنان کشور از جمله منافقین است؛ همان‌هایی که به دنبال آشوب و هرج و مرج هستند. از این‌رو ادامه این شرایط بدون مدیریت فضای داخلی می‌تواند تقویت‌کننده موضع ایران باشد و به ایجاد بی‌ثباتی کمک کند.

در آمریکا خواهد بود و می‌تواند ایران را راضی به نشستن بر سر میز مذاکره و قبول شروط جدید کند؛ تصویری که قاعدتا با اظهارات مکرر حسن روحانی و دیگر مقامات کشورمان تاکنون باید تغییر کرده باشد.

برهمن اساس ترامپ امروز که می‌بیند توافق نسبتا خوبی به نام برجام را از دست داده و به توافق بهتری هم نرسیده است، به سیاست غلط خود پی برده و تلاش می‌کند به گونه‌ای آن را پوشش دهد.

دومین مساله اینکه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا در نوامبر (آبان ماه) در سرنوشت دولت آمریکا موثر خواهد بود، به گونه‌ای که اگر ترکیب کنگره تغییر کند، مسیر فعالیت دولت دشوارتر خواهد شد و از این‌رو ترامپ باید با ترفندهای رسانه‌ای و ایجاد یک تهدید خارجی برای مردم آمریکا سبب رای خود و حزب جمهوری خواه را پر نگه دارد، از این‌رو به نظر می‌رسد این دست اظهارات ترامپ مصرف داخلی دارد.

سومین مساله که آن هم مربوط به میزان قوت دولت او برای تحقق برنامه‌ها و اهداف در داخل آمریکا است، حفظ حمایت لابی رژیم صهیونیستی در بخش‌های مختلف درون آمریکا از جمله کنگره است. همان‌طور که اظهارات اخیر ترامپ در تهدید ایران با تقدیر نخست‌وزیر و دیگر مقامات رژیم صهیونیستی همراه می‌شود، این مواضع رادیکال می‌تواند لابی‌های اسرائیل در آمریکا را در حمایت از ترامپ فعال نگه دارد و مسیر حرکت او را تسهیل کند.

وجه دیگر این اظهارات مربوط به فضای منطقه است. به‌نظر می‌رسد امتیازگیری از ایران در منطقه مهم‌ترین وجه مواجهه رادیکال این روزهای ترامپ با ایرانی‌ها باشد. اومی‌داند که این مدل رفتاری همراهی بیشتر عربستان

دشوار کرده است.

۳ با توجه به نکات یادشده شاید این سوال مهم ایجاد شود که اگر ترامپ فقط بلوف می‌زند یا مثل دیگر روسای جمهور قبلی فاصله سخن تا عمل وی نسبت به ایران بسیار زیاد است، پس نباید اظهارات و اقدامات او را جدی گرفت؟ پاسخ این است که دقیقا برعکس، توجه به چالش‌های مسیر ترامپ به این معنی نیست که باید به خطر جنگ پی‌توجه بود، چرا که اگر در ایران نسبت به خطر جنگ بی‌تفاوتی ایجاد شده و در مقابل تندی آمریکا، پاسخی ارائه نشود، ممکن است فضا تغییر کرده و فرصتی برای اجماع علیه ایران ایجاد شود. از این‌رو واکنش طرف ایرانی و به‌رخ کشیدن المان‌هایی از قدرت ملی مهم و ضروری به نظر می‌رسد.

۴ در واکاوی علت رفتار و اظهارات رادیکال دونالد ترامپ در مقابل ایران باید چند نکته را مدنظر قرار داد؛ اول ماجرای برجام است، به نظر می‌رسد اگر ترامپ اکنون این توهم را ندارد، حداقل قیلا چنین گمان می‌کرده که اگر برجام را به هم بزند، توافق بهتری در دسترس او و هوامرانانش

مسیر استفاده از قدرت شورای امنیت و قوانین مصرح آن است. در همین زمینه از منظر حقوقی اظهارنظرهای حسن روحانی با به‌طور کلی طرف ایرانی در مقابل آنچه که ترامپ علنی مطرح می‌کند، وجهی از تهدید ایالات متحده را دربر ندارد. اگر ایران می‌گوید جنگ علیه ما، مادر جنگ‌ها خواهد بود، این تهدید کسی نیست. در مقابل اینکه ترامپ تهدید می‌کند بلایی بر سر شما می‌آوریم که در تاریخ سابقه نداشته باشد، قاعدتاً یک تهدید واضح به‌شمار می‌رود.

علاوه بر این بیان اینکه ایران نمی‌تواند بنشیند تا صادرات نفتش صفر شود، ولی دیگران به راحتی نفت صادر کنند، تهدید ایالات متحده آمریکا نیست یا حتی ایجاد محدودیت در یک تنگه در خلیج فارس نمی‌تواند تهدید کشوری باشد که قریب به ۱۰ هزار کیلومتر با غرب آسیا فاصله دارد.

۲ مساله دیگر در مورد ارزش‌های راهبردی اظهارات دونالد ترامپ است؛ اول اینکه رئیس‌جمهور ایالات متحده تندی‌هایی را که امروز نسبت به جمهوری اسلامی مطرح می‌کند، قبلا نسبت به برخی دیگر از کشورها و برای مثال کره شمالی مطرح کرده و حتی پارافراتر هم گذاشته، اما چندی بعد امتیازهای مهمی به کره شمالی داده است، لذا نباید آنچنان جدی گرفته شود. دوم اینکه با توجه به اظهارنظرها و اخبار منتشرشده از درون ایالات متحده، روشن است که نخبگان آمریکا در حوزه سیاست خارجی این اظهارات ترامپ را آنچنان مورد توجه قرار نمی‌دهند. علاوه بر اینکه ترامپ درون ایالات متحده به جز نخبگان با سازمان‌های امنیتی و اطلاعاتی هم دارای چالش‌های جدی و مهمی است که تحقق این تهدیدها را برای او بسیار

چالش میان ایران و آمریکا دوباره اوج گرفته است؛ ترامپ بی‌محبا سخن می‌گوید، تهدید می‌کند و تحریم، و از این طرف حسن روحانی مشی گذشته خود را تا حدی کنار گذاشته و صریح پاسخ می‌دهد، سرلشکر سلیمانی تایید می‌کند و رهبری هر دو را.

ماجرای خروج آمریکا از برجام آغاز شد، با تهدید و تلاش برای به صفر رساندن صادرات نفت ایران ادامه یافت و با پاسخ حسن روحانی و سرلشکر سلیمانی مواجه شد. بعد از آن میدان دیپلماسی صحنه رقابت بود تا اینکه پیام حمله به ایران با منافعش از سوی آمریکا شنیده شد و برخی گفتند این سخن را ترامپ در دیدار با پوپین در هلیسینکی بیان کرده است. همین اخبار هم بود که باعث شد یک روز سرلشکر باقری بگوید ترامپ می‌خواسته به ایران حمله کند، ارتش آمریکا قبول نکرده و روحانی هم خطاب به ترامپ مطرح کند که با دم شیر بازی نکن، صلح با ایران مادر صلح‌ها و جنگ با ایران مادر جنگ‌هاست. این البته پایان ماجرا نبود و ظاهرا نخواهد بود، چرا که ساعاتی بعد ترامپ در توئیتر مجددا ایران را تهدید کرد و مایک پمپئو هم مواضعی مانند او گرفت.

در همین شرایط هر چند خیلی‌ها غافلگیر شده‌اند و انتظار این حجم از رفت و برگشت پیام و تهدید را نداشتند، اما کارشناسان و تحلیلگران سعی کرده‌اند به گونه‌ای فضا را تحلیل و ارزیابی خود را بیان کنند؛ تحلیل‌هایی که در برخی موارد آنچنان هم دقیق نبوده است و بیشتر مبتنی بر جو رسانه‌ای بیان شد تا ارزیابی عمیق. در این میان اما نکات متقنی هم وجود دارد که لازم است برای جمع‌بندی فضا مورد توجه قرار گیرد.

۱ باید این را مدنظر قرار داد که تهدید کشورها از سوی ایران یا کشوری دیگر برخلاف منی سازمان ملل و قابل طرح و پیگیری است. در منشور سازمان ملل تنها



علی جمشیدی
دبیر گروه سیاسی



گفت‌وگو

یوسف مولایی:

نمی‌توان ادبیات تهدید آمیز آمریکا را با ادبیات ملایم پاسخ گفت



نیز یادآور شد: «نه در آمریکا و نه در هیچ جای دنیا، افکار عمومی از جنگ دیگری در منطقه استقبال نمی‌کنند و جنگ به‌عنوان راه‌حل بین افکار عمومی و مردمی که می‌خواهند زندگی عادی برای صلح و آرامش داشته باشند، جایگاهی ندارد، لذا نمی‌توان تصور کرد ترامپ یا هیچ کس دیگری بتواند از ابزار تهدید جنگ یا ایجاد شرایط جنگی برای افزایش رای خود استفاده کند.»

این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «ترامپ بیشتر می‌خواهد نشان دهد که قاطعیت دارد، ولی این قاطعیت حتما با توسل و جنگ یکسان نیست. او می‌داند که باید بیش از این پیگیر وعده‌هایی باشد که در انتخابات ریاست‌جمهوری طرح کرده، ولی الزاما به این معنی نیست که جنگ یک امتیاز برای ترامپ یا آمریکا به شمار می‌رود.»

مولایی ادامه داد: «مطمئن باشید خیلی از رای‌دهندگان از اینکه خطر جنگ دیگری زیر سر آمریکا باشد، هزینه جدیدی برای مالیات‌دهندگان ایجاد کند، فضای بین‌المللی را پر تنش کند، قیمت نفت را بالا ببرد، خطر کشته شدن سربازان را به همراه داشته باشد و... دل خوشی نخواهند داشت. مگر آنکه به آنها این گونه القا شود که ترامپ از این قضیه به‌عنوان یک ابزار بازآرندگی برای پیشبرد هدف قاطعیتش استفاده کرده و ایران را وادار به مذاکره می‌کند.» این کارشناس مسائل بین‌الملل تصریح کرد: «اگر خروجی این تهدیدها مذاکره نباشد، آقای ترامپ سودی از این کار نخواهد برد، ولی اگر خروجی اش، نشستن دو طرف پای میز مذاکره باشد، قطعاً از مذاکره برای متقاعد کردن بیشتر رای‌دهندگان سود خواهد برد. بر این اساس تا آن زمان نمی‌شود گفت که این تنش‌های لفظی در انتخابات آتی ایالات متحده به نفع ترامپ است یا به ضرر او.» وی خاطرنشان کرد: «در این سونیز باید اذعان داشت در شرایط کنونی نمی‌توان در برابر ادبیات تهدیدآمیز آمریکا با ادبیات ملایم پاسخ گفت، لذا طبیعی است که ما نیز باید ادبیات تند به کار ببریم. اما باید این نکته را در نظر داشت که ادبیات تند به این معنی نیست که سیاست تند هم خواهیم داشت.»

یادداشت، اخبار و گزارش‌هایی از تازه‌های سیاست



محمد جمشیدی:

مواضع ترامپ مصرف تبلیغاتی دارد



محمد جمشیدی، استاد دانشگاه تهران در گفت‌وگو با «فرهنگیگان» موضوع چالش اخیر میان ایران و ایالات متحده را مورد بررسی قرار داده است:

ارزیابی شماعلت بالا گرفتن چالش میان ایران و آمریکا در روزهای اخیر چیست و به نظر شما تا کجا ادامه می‌یابد؟

سیاست اصلی آمریکا فشار اقتصادی با تحریم و ایجاد آشوب داخلی در ایران است. می‌خواهند جامعه را به شرایطی برسانند که مردم به سئوه بیابند و آشوب اجتماعی ایجاد شود، لذا هدفی هم که پشت سر این سیاست آنهاست، امتیازگیری منطقه‌ای از ایران است. در این سیاست، تهدید به اقدام نظامی هیچ موضوعیتی ندارد، اما ممکن است این تهدیدها به‌عنوان سیاستی ابزاری برای تحت تاثیر قرار دادن اذهان عمومی جامعه ایران و جنگ روانی مورد استفاده قرار گیرند. بنده برای تهدیدهایی که ترامپ انجام می‌دهد، اصالت خاصی قائل نیستم و معتقدم دلیل تهدیدهای او بیش از اینکه زمینه‌ای برای عملی کردن تهدیداتش باشد، بهانه‌ای برای قلدری و القای این مفهوم است که «من با او اما متفاوتم» یا اینکه آمریکای الان خیلی قدرتمندتر از آمریکای زمان او اما است. فهم این سیاست ترامپ هم خیلی سخت نیست و اگر دقت کنیم، می‌فهمیم که او در مورد مسائل مختلف، از جمله تعاملاتش با روسیه یا کره شمالی و گاهی در مورد مساله سوریه، ابتدا از ادبیاتی تند استفاده می‌کند تا بتواند در مراحل بعدی از آنها بهره‌برداری سیاسی بیشتری داشته باشد. از طرفی فشارهای بسیاری در این دوسالی که از ریاست‌جمهوری ترامپ می‌گذرد، در داخل آمریکا برای او ایجاد شده است، بعد از دیدار اخیرش با پوپین نیز این فشارها به صورت تصاعدی افزایش پیدا کرده است. در همین راستا معتقدم ترامپ هم قصد دارد با پررنگ‌تر کردن برخی تهدیدات خارجی به صورت تبلیغاتی تا حدودی فشارها را از روی خود بردارد. به خصوص اینکه انتخابات میان‌دوره‌ای کنگره آمریکا هم در آبان ماه امسال برگزار می‌شود و ترامپ برای اینکه بتواند کرسی‌های بیشتری را به دست بیاورد، باید در حد امکان فشارهای داخلی در آمریکا را از خود دور نگه دارد، لذا معتقدم سیاست اصلی آمریکا در قبال ایران فشار و تحریم اقتصادی است و حتی کمترین فکری را هم در مورد اقدام نظامی نمی‌کند و پرهیز از جنگ را در دستور کارش دارد. البته این سیاست صرفا در مورد ایران صدق نمی‌کند. در مورد سایر کشورها هم همین سیاست وجود دارد.

شاید هم بتوان گفت اساسا سیاست کلی ترامپ تعدیل در اقدامات نظامی آمریکا و افزایش فشارهای اقتصادی به دولت‌های مخالف آمریکاست. در چنین شرایطی تهدیدهای نظامی هم هیچ کارکردی جز به دست آوردن امتیازات سیاسی ندارد.

از نظر شما واکنش ایران در مقابل تندی‌های آمریکا و دونالد ترامپ چگونه باید باشد؟

معتقدم کوتاه‌امدن در مقابل ترامپ خطرات زیادی را می‌تواند در پی داشته باشد و اینکه دولت ایران در مقابل تهدیدها و گرافه‌گویی‌های آمریکا موضعی مناسب نداشته باشد، جایز نیست. لذا اینکه ایران باید در مقابل این مواضع آمریکا واکنش‌های متناسب داشته باشد، بر هیچ کس پوشیده نیست. البته مواضع اخیر آقای رئیس‌جمهور در مورد تنگه هرمز که مورد تایید رهبری هم

ایسن تنش میان ایران و آمریکا تا کجا می‌تواند ادامه یابد و چه تبعاتی خواهد داشت؟

ایران به‌طور کلی نباید نگرانی خاصی در مورد تهدیدهای نظامی آمریکا داشته باشد. آمریکا در شرایط کنونی هیچ برنامه‌ای برای درگیری نظامی با ایران ندارد. حتی معتقدم افزایش بیش از پیش این تنش‌ها میان دو کشور باز هم هیچ ضرری برای ایران نخواهد داشت. از طرفی اینکه ما احساس کنیم این موضعی که دولت ایران در روزهای اخیر در مواجهه با آمریکا گرفته، موضعی حداکثری است، اشتباه است، زیرا هنوز اتفاق خاصی رخ نداده و صرفا ما در مقابل تهدیدات تندی مثل براندازی سیستم و تحریم ورودی‌های مالی کشور که تمام تمامیت ایران را تهدید می‌کند، صرفا این موضع را داشته‌ایم که ما اجازه این کار را نخواهیم داد. حالا وقتی می‌بینیم ترامپ به همین موضع معمولی هم واکنش تندی نشان می‌دهد و دوباره دولت ایران را تهدید می‌کند، نشان‌دهنده این است که او از این موضع رئیس‌جمهور ایران آزرده‌خاطر است و نمی‌خواهد چنین موضعی دوباره تکرار شود، فلذا معتقدم تهدیدهای ترامپ غیرواقعی است و نباید اهمیت چندانی به آن داد.